

روابط درون رشته‌ای و بین رشته‌ای کتابداری و اطلاع‌رسانی: مطالعه‌ای استنادی^۱

حمیدرضا جمالی مهموثی^۲

چکیده: پژوهش حاضر با تحلیل استنادی ۲۴۰ مقاله تألیفی دارای استناد، منتشر شده در فاصله سال‌های ۱۳۶۹ تا ۱۳۷۶ در چهار نشریه فصلنامه کتاب، پیام کتابخانه، کتابداری، و اطلاع‌رسانی که جمعاً ۱۷۷۰ استناد را در برداشته‌اند، سعی در کشف روابط درون رشته‌ای و بین‌رشته‌ای حوزه کتابداری و اطلاع‌رسانی دارد. جهت این امر رشته کتابداری و اطلاع‌رسانی به ۲۱ زیر شاخه تقسیم شده است. مآخذ مقالات به دو دسته تقسیم شده‌اند: (۱) مآخذ حوزه کتابداری و اطلاع‌رسانی و (۲) مآخذ مربوط به سایر حوزه‌ها. موضوع مقالات و مآخذ گروه اول با استفاده از طرح ۲۱ مقوله‌ای و موضوع مآخذ گروه دوم با استفاده از تقسیمات رده‌بندی دهمی دیویی تعیین شده‌اند. یافته‌ها نشان می‌دهد که ۲۶ درصد از استنادهای مقالات مربوط به خارج از حوزه کتابداری و اطلاع‌رسانی است که در این میان علوم رایانه با ۴/۷ و علوم تربیتی با ۳/۶۳ درصد به ترتیب بیشترین سهم را در ساختار بین رشته‌ای کتابداری دارا هستند. از میان زیر شاخه‌های کتابداری، مقالات مربوط به کتابخانه‌های آموزشی با ۶۷ درصد استناد غیرکتابداری و اطلاع‌رسانی، بیشترین وابستگی را به دیگر رشته‌ها نشان می‌دهند.

مقدمه

تجزیه دانش به حوزه‌های مختلف از دو تمایل نشأت می‌گیرد؛ نخست تمایل ناشی از میل ناخود آگاه انسان برای جداسازی، طبقه‌بندی و شناخت عناصر محیط و دوم تمایل روانشناختی

۱. برگرفته از: حمیدرضا جمالی مهموثی، "روابط درون رشته‌ای و بین‌رشته‌ای کتابداری و اطلاع‌رسانی: مطالعه‌ای استنادی". پایان‌نامه کارشناسی ارشد کتابداری و اطلاع‌رسانی، دانشگاه تهران، دانشکده علوم تربیتی، ۱۳۷۸.

۲. کارشناس ارشد مرکز اطلاع‌رسانی و خدمات علمی جهادسازندگی

دانشمندان که برخاسته از گرایش آنان به یافتن احاطه فکری بر حوزه تحقیقاتی خود جهت قاعده‌بندی بهتر مسائل و پیشرفت بیشتر است (بوی زات^۱، ۱۹۷۲، ص ۸۹-۹۰). از دید فرهنگستانی، رشته‌های دانشگاهی مبتنی بر سازماندهی دانش برای مقاصد آموزشی هستند. سلسله مراتب رشته‌ها به گونه‌ای بازتاب ارزش‌ها و نیازهای اجتماعی است و تجزیه دانش به معنی جدایی محض رشته‌ها از یکدیگر نیست. بسیاری از رشته‌های امروزی از ترکیب کل یا بخش‌هایی از دو یا چند رشته پدید آمده‌اند. رشته روانشناسی زبان^۲ که از ترکیب روانشناسی و زیان‌شناسی پدید آمده، نمونه خوبی از این فرایند است. به گفته گاس^۳، بین رشته‌ای‌های امروز رشته‌های فردا هستند (گاس^۳، ۱۹۷۲، ص ۹).

اگر چه علم و فن‌آوری در دوران معاصر بیش از پیش رشد کرده، اما نیازمندی جامعه بشری نیز همپای آن افزایش یافته است. برآوردن این نیازها مستلزم دانش جدید و داشتن آموزش و پژوهش پویاست. از سوی دیگر، روند پژوهش در عصر حاضر به گونه‌ای است که هیچ رشته‌ای قادر نیست راه حل مسائل خاص خود را تنها در درون مرزهای خویش جست‌وجو کند و حوزه‌های علمی ناگزیر از یافته‌های یکدیگر بهره‌مند می‌شوند (حری، ۱۳۷۳، ص ۷). این وضع ما را به اتخاذ رویکردی بین رشته‌ای به آموزش و پژوهش و طبعاً فعالیت‌های وابسته به این دو، از جمله اطلاع‌رسانی، وامی‌دارد. در نتیجه این گرایش‌های بین رشته‌ای، امروزه برخی معتقدند که الگوی نیاز به اطلاعات در موقعیت کنونی سازگاری چندانی با رده‌بندی رشته‌ای قرن نوزدهم ندارد. در حالی که حوزه‌های مطالعاتی هر روز بیش از پیش ماهیت بین رشته‌ای به خود می‌گیرند و تعداد محققانی که خواستار استفاده از بانک‌های اطلاعاتی و نمایه‌نامه‌ها و چکیده‌نامه‌های متعدد هستند پیوسته افزایش می‌یابد، هنوز بخش عمده‌ای از خدمات نمایه‌سازی و چکیده‌نویسی و تهیه بانک‌های اطلاعاتی مبتنی بر رده‌بندی قرن نوزدهم است (مارتین^۴، ۱۹۷۵، ص ۳۸) متخصصان اطلاع‌رسانی در واکنش به این شرایط سعی می‌کنند نیازهای اطلاعاتی محققان را با رویکرد بین رشته‌ای سنجیده و برآورده سازند.

به هر روی، روابط بین رشته‌ای نوشداروی تحول دانشگاه‌ها نیست، اما مطالعه آنها منظری است که می‌توان از آن به خوبی بازتاب عملکردهای داخلی رشته‌های دانشگاهی و حوزه‌های پژوهشی را برآورد کرد. مطالعه روابط بین رشته‌ای و درون رشته‌ای که جزئی از فلسفه هر رشته‌ای است (مسوکهرجی، ۱۳۶۸، ص ۲۵) وجوه مختلف دارد که مطالعه چگونگی همکاری‌های بین رشته‌ای و درون رشته‌ای اعضای هیأت علمی و محققان یا مطالعه چگونگی

1. Boisot

2. Psycholinguistics

3. Gass

4. Martyn

استفاده یک رشته از سایر رشته‌ها، یا استفاده زیرشاخه‌ای یک رشته از سایر زیر شاخه‌های آن رشته از طریق مطالعه استنادی متون از آن جمله است.

بیان مسئله

کتابداری و اطلاع‌رسانی رشته‌ای است که از اصول نظری و دانش فنی مناسب جهت خدمت به نیازهای اجتماعی برخوردار است. هر چند دیویی در رده‌بندی خود رده‌ای به کتابداری اختصاص داده که با سایر رده‌ها ارتباط چندانی ندارد، لیکن وجود چنین ارتباطی نه تنها غیرممکن نیست بلکه معقول است. ریموند ایروین^۱ مبانی ارتباط بین کتابداری و برخی رشته‌ها از جمله علوم اجتماعی، علوم تربیتی، تاریخ، روانشناسی، اخلاق و ادبیات را از لحاظ نظری تشریح کرده است (موکهرجی، ۱۳۶۸، ص ۲۷-۳۱). اگر از بحث درباره مبانی نظری وجود چنین ارتباطی که به دلیل ترکیبی بودن رشته کتابداری انکار ناپذیر است (موکهرجی، ۱۳۶۸، ص ۲۷) بگذریم، برای مطالعه فلسفه کتابداری و اطلاع‌رسانی که شامل سه مورد تعریف رشته، اهداف، و روابط بین رشته‌ای است ناگزیر از کشف روابط خواهیم بود.

با توجه به این پیش فرض‌ها که متون موضوعی کتابداری و اطلاع‌رسانی بازتاب محتوای این رشته است و اینکه الگوهای استنادی به کار رفته در این متون می‌توانند منبعی برای شناسایی روابط بین رشته‌ای و درون رشته‌ای باشند، در این تحقیق سعی شده است که با تحلیل استنادی مقالات کتابداری و اطلاع‌رسانی این روابط کشف شود.

تعریف عملیاتی اجزاء مسئله

روابط بین رشته‌ای^۲. این روابط عبارت از تعامل دو یا چند رشته مختلف است که می‌تواند از تبادل ساده عقاید تا درهم تنیده شدن دو جانبه مفاهیم، روش‌ها، واژه‌ها، داده‌ها و معرفت‌شناسی آن رشته‌ها را در برگیرد. در این تحقیق رابطه یک سویه مورد نظر است و تنها استفاده محققان کتابداری و اطلاع‌رسانی از محتوای سایر رشته‌ها - که تجلی آن ظهور منابع رشته‌های دیگر در سیاهه مآخذ متون رشته کتابداری است - به عنوان بخشی از روابط بین رشته‌ای این حوزه مورد توجه قرار گرفته است.

روابط درون رشته‌ای^۳. این روابط نشان دهنده بهره‌برداری زیر شاخه‌های رشته کتابداری و اطلاع‌رسانی از محتوای یکدیگر است که به صورت استناد متون موضوعی یک زیر شاخه به متون سایر زیرشاخه‌ها تجلی پیدا می‌کند.

1. Raymond Irwin

2. Interdisciplinary

3. Intradisciplinary

پرسش‌های اساسی

۱. روابط استنادی درون رشته‌ای میان زیر شاخه‌های کتابداری و اطلاع‌رسانی در سال‌های ۶۹ تا ۷۶ چگونه بوده است؟
۲. روابط استنادی بین رشته‌ای میان زیر شاخه‌های کتابداری و اطلاع‌رسانی و سایر رشته‌ها در سال‌های ۶۹ تا ۷۶ چگونه بوده است؟

هدف و فایده پژوهش

این تحقیق در جهت کشف روابط بین رشته‌ای و درون رشته‌ای کتابداری و اطلاع‌رسانی سعی دارد به تحلیل استنادی مقالات فارسی تألیفی این رشته که در فاصله سال‌های ۶۹ تا ۷۶ در مجلات اصلی رشته منتشر شده‌اند پردازد تا با شناخت بخشی از این روابط، تصویر روشن‌تری از جایگاه این رشته در میان سایر رشته‌ها به دست آید.

از نتایج تحقیق می‌توان در برنامه‌ریزی‌های آموزشی و پژوهشی و تدوین چارچوب همکاری‌های میان رشته‌ای و درون رشته‌ای متخصصان کتابداری و اطلاع‌رسانی و نیز جهت شناخت بهتر نیازهای اطلاعاتی آنان و برنامه‌ریزی به منظور برآوردن این نیازها بهره برد.

روش پژوهش

چون فرض بر آن است که میان سند و متن استنادکننده ارتباط وجود دارد و از آنجا که نظام استنادی نوعی انسجام بخشیدن به اطلاعات و نشان دهنده روابط میان متون استنادکننده و مورد استناد است، الگوهای استنادی به کار رفته در متون می‌توانند به عنوان داده‌هایی برای تشخیص روابط بین رشته‌ای و درون رشته‌ای به کار روند. لذا در این تحقیق از روش تحلیل استنادی استفاده شده است.

برای انجام پژوهش ابتدا نوعی طرح رده‌بندی ترکیبی با استفاده از رده کتابداری طرح رده‌بندی دیویی، طرح رده‌بندی لیزا، و سرفصل‌های دروس تخصصی رشته کتابداری تهیه شد که ۲۱ مقوله اصلی زیر را در برمی‌گیرد:

۱. کلیات (شامل مبانی و مفاهیم اساسی، فلسفه، تاریخچه، و اصول تحقیق کتابداری و اطلاع‌رسانی)؛

۲. مدیریت (شامل مسائل مالی، کارکنان، ساختمان، و تجهیزات)؛

۳. سازماندهی (شامل فهرست‌نویسی، رده‌بندی، و کتابشناسی)؛

۴. مجموعه‌سازی؛

۵. حفاظت و نگهداری مواد؛
۶. همکاری و امانت بین کتابخانه‌ای؛
۷. ذخیره و بازیابی اطلاعات (شامل نمایه‌سازی، چکیده‌نویسی، کاوش، نیازسنجی اطلاعات، و بانک‌های اطلاعاتی)؛
۸. حرفه‌کتابداری و اطلاع‌رسانی (شامل آموزش حرفه‌ای، انجمن‌های حرفه‌ای، وضعیت شغلی)
۹. خدمات به خوانندگان (شامل کار مرجع، آموزش مراجعان، امانت مواد، و فعالیت فرهنگی)
۱۰. کتابخانه‌های دانشگاهی؛
۱۱. کتابخانه‌های عمومی؛
۱۲. کتابخانه‌های آموزشگاهی؛
۱۳. کتابخانه‌های کودک؛
۱۴. کتابخانه‌های ملی؛
۱۵. سایر انواع کتابخانه؛
۱۶. آرشیو؛
۱۷. مراکز اطلاع‌رسانی؛
۱۸. فن‌آوری اطلاعات؛
۱۹. نظام‌ها و شبکه‌های اطلاع‌رسانی؛
۲۰. کتابسنجی و اطلاع‌رسانی؛
۲۱. نشر.

از این طرح در مرحله گردآوری اطلاعات و ثبت مشخصات کتابشناختی مقالات کتابداری و اطلاع‌رسانی و مآخذ آنها به عنوان ملاک استفاده شد و تنها مشخصات مقالاتی که موضوع آنها در این طرح می‌گنجد به عنوان مقالات کتابداری و اطلاع‌رسانی و جامعه پژوهش ثبت گردید. پس از گردآوری اطلاعات، مآخذ مقالات به دو دسته کتابداری و اطلاع‌رسانی، و غیرکتابداری و اطلاع‌رسانی تقسیم شدند. سپس موضوع مآخذ کتابداری و اطلاع‌رسانی با استفاده از طرح ترکیبی ۲۱ مقوله‌ای پیشگفته و موضوع مآخذ غیرکتابداری با استفاده از رده‌های صدگانه خلاصه دوم طرح رده‌بندی دیویی (دیویی، ۱۳۷۲، ص ۱۱۳) تعیین شد و در نهایت روابط استنادی میان متون و مآخذ با توجه به موضوع مآخذ در قالب دو گروه روابط بین رشته‌ای و روابط درون رشته‌ای ترسیم گردید.

جامعه پژوهش

جامعه پژوهش شامل ۲۴۰ مقاله فارسی تألیفی دارای استناد منتشر شده بین سال‌های ۶۹ تا ۷۶ در چهار نشریه اصلی کتابداری و ۱۷۷۰ استناد آنهاست. تعداد مقالات و استنادهای آنها برحسب نشریه در جدول ۱ ارائه شده است.

جدول ۱. توزیع فراوانی مقالات و استنادها در مجلات مورد بررسی

عنوان نشریه	تعداد مقاله	تعداد استناد
فصلنامه کتاب	۸۷	۶۸۱
پیام کتابخانه	۸۶	۵۶۳
کتابداری	۱۳	۹۰
اطلاع‌رسانی	۵۴	۲۳۶
مجموع	۲۴۰	۱۷۷۰

مروری بر تحقیقات پیشین

در ایران تحقیق مستقلی در حوزه سنجش روابط بین رشته‌ای یا درون رشته‌ای صورت نگرفته است. تنها فاطمه محمدزاده (۱۳۷۶) در بخشی از تحقیق خود که با هدف بررسی وضع استناد در مقالات تألیفی مندرج در نشریات اصلی کتابداری و اطلاع‌رسانی صورت گرفته با تقسیم‌بندی موضوعی مآخذ مقالات با استفاده از رده‌بندی دیویی نشان داده که رده کلیات شامل رده کتابداری بیش از سایر رده‌ها مورد استناد متون کتابداری بوده و ۱۳۱۵ مورد از مجموع ۱۷۷۷ استناد را به خود اختصاص داده است. پس از آن علوم اجتماعی با ۱۵۱ استناد در رتبه دوم قرار دارد.

در خارج از ایران تحقیقات زیادی طی دو دهه گذشته در این حوزه انجام شده است. شاهرخ افشار پناه (۱۹۸۴) در رساله دکتری خود به منظور بررسی ساختار بین رشته‌ای اطلاع‌رسانی از میان مقالاتی که بین سال‌های ۱۹۶۶ تا ۱۹۷۸ در *Annual Review of Information Science and Technology* درج شده‌اند نمونه‌گیری تصادفی انجام داده و به تحلیل استنادی آنها پرداخته است. وی با استفاده از یک نظام طبقه‌بندی ترکیبی رشته‌هایی را که در ساختار بین رشته‌ای اطلاع‌رسانی سهیم هستند مشخص کرده است.

کنون (Cannon, 1989) طی تحقیقی الگوهای استنادی بین رشته‌ای صد عضو هیأت علمی کتابداری آمریکا را با رشته‌های تحصیلی درجه دکتری آنها مقایسه کرده است. وی نشان داده که اعضای که دارای دکترای غیرکتابداری هستند بیش از اعضای دارای دکترای کتابداری به متون خارج از کتابداری استناد کرده‌اند و نیمی از استنادهای غیرکتابداری آنها مرتبط با رشته تحصیلی

دکتری آنها بوده است. مهیر و اسپنسر (Meyer & spencer, 1996) با روش تحلیل استنادی به تعیین رشته‌هایی پرداخته‌اند که محققان آنها در آثار خود به متون کتابداری استناد می‌کنند. طبق نتایج تحقیق آنها، علوم رایانه، پزشکی، روانشناسی، و جامعه‌شناسی از جمله رشته‌هایی بوده‌اند که به کتابداری و اطلاع‌رسانی استناد کرده‌اند.

تجزیه و تحلیل یافته‌ها

الف. روابط درون رشته‌ای

در جدول ۲ مجموع استنادهای درون رشته‌ای از سال ۶۹ تا ۷۶ ارائه شده است (موضوعات سرستون موضوعات استنادکننده هستند). داده‌ها نشان می‌دهند که کمترین استناد درون رشته‌ای مربوط به کتابخانه‌های آموزشی با ۳۳ درصد و سپس مراکز اطلاع‌رسانی با ۳۵ درصد است. پس از مقالات مربوط به سایر انواع کتابخانه که صد در صد متکی به حوزه‌های درون رشته‌ای بوده‌اند کتابسنجی با ۹۴ درصد و مجموعه‌سازی با ۹۰ درصد استناد درون رشته‌ای رتبه دوم و سوم را در وابستگی به متون درون رشته‌ای از خود نشان می‌دهند. برخی حوزه‌ها چون ذخیره و بازیابی و سازماندهی؛ نظام‌ها و شبکه‌های اطلاع‌رسانی، و فن‌آوری اطلاعات دارای استناد متقابل و رابطه متقابل هستند. همچنین داده‌ها حاکی از ۱۰/۵ درصد وابستگی مقالات کتابخانه‌های کودک به متون کتابخانه‌های آموزشی با ۱۳ درصد وابستگی حرفه کتابداری به مدیریت هستند.

روابط بین رشته‌ای

براساس داده‌های جدول ۳ که نمایانگر استنادهای بین رشته‌ای زیر شاخه‌های کتابداری در مجموع سال‌های ۶۹ تا ۷۶ است، مقالات کتابخانه‌های آموزشی با ۶۷ درصد، مراکز اطلاع‌رسانی با ۶۵ درصد و کلیات کتابداری و اطلاع‌رسانی با ۵۱ درصد استناد به متون غیرکتابداری و اطلاع‌رسانی به ترتیب بیشترین وابستگی را به سایر رشته‌ها از خود نشان می‌دهند. کمترین وابستگی پس از مقالات مربوط به سایر انواع کتابخانه که فاقد استناد غیرکتابداری هستند به ترتیب متعلق به کتابسنجی با ۶ درصد، مجموعه‌سازی با ۱۰ درصد، همکاری و امانت بین کتابخانه‌ای با ۱۳/۸ درصد، و کتابخانه‌های دانشگاهی با ۱۴ درصد استناد بین رشته‌ای است. از میان موضوعات صدگانه دیویی تنها موضوعاتی در جدول ۳ آمده‌اند که در مقالات کتابداری به آنها استناد شده است.

در جدول ۴ رده‌هایی که به ترتیب بیشترین استنادهای مقالات کتابداری و اطلاع‌رسانی را به خود اختصاص داده‌اند ارائه شده است. علوم رایانه با ۸۴، علوم تربیتی با ۶۵، اسلام با ۲۹، و علوم اجتماعی با ۲۶ استناد از مجموع ۱۷۷۰ استناد به ترتیب رتبه‌های اول تا چهارم را به خود اختصاص داده‌اند.

جدول ۴. رده‌های اصلی غیرکتابداری و اطلاع‌رسانی مورد استناد در سال‌های ۱۳۶۹ تا ۱۳۷۶

میزان استناد در مجموع ۸ سال		رده‌های مورد استناد
درصد	تعداد	
۴/۷۰	۸۴	علوم رایانه
۳/۶۳	۶۵	علوم تربیتی
۱/۶۰	۲۹	اسلام
۱/۴۴	۲۶	علوم اجتماعی
۱/۰۵	۱۹	ارتباطات
۱	۱۸	پزشکی
۱	۱۸	مدیریت
۰/۸۹	۱۶	زبان‌شناسی
۰/۷۸	۱۴	اقتصاد
۰/۶۷	۱۲	کلیات
۰/۵۶	۱۰	روانشناسی
۰/۵۶	۱۰	تاریخ ایران
۰/۵۶	۱۰	ادبیات زبان‌های ایرانی

جدول ۵ نشان می‌دهد که در هر یک از سال‌های ۶۹ تا ۷۶ چه میزان از استنادهای مقالات کتابداری درون رشته‌ای و چه میزان بین رشته‌ای یا خارج از کتابداری و اطلاع‌رسانی بوده است. مقالات سال ۱۳۷۶ با ۸۴/۶ درصد بیشترین میزان استناد درون رشته‌ای و قاعدتاً کمترین استناد بین رشته‌ای را به میزان ۱۵/۴ درصد به خود اختصاص داده‌اند و مقالات سال ۱۳۷۰ با ۴۵/۴ درصد نشان‌دهنده کمترین میزان استناد درون رشته‌ای طی ۸ سال مورد بررسی هستند. در طی ۸ سال، ۲۶ درصد از استنادهای مقالات به متون خارج از حوزه کتابداری و اطلاع‌رسانی صورت گرفته است.

جدول ۵. میزان استنادهای درون رشته‌ای و بین رشته‌ای مقالات کتابداری به تفکیک سال نشر

استنادهای بین رشته‌ای		استنادهای درون رشته‌ای		سال نشر مقالات استناد کننده
درصد	تعداد	درصد	تعداد	
۳۶/۲	۴۰	۶۳/۸	۶۹	۱۳۶۹
۵۴/۶	۴۲	۴۵/۴	۳۴	۱۳۷۰
۲۷	۳۰	۷۳	۷۹	۱۳۷۱
۲۱/۷	۳۱	۷۸/۳	۱۲۱	۱۳۷۲
۳۲/۸	۸۲	۶۷/۲	۱۸۷	۱۳۷۳
۳۴/۵	۶۹	۶۵/۵	۱۵۸	۱۳۷۴
۲۵/۲	۱۰۵	۷۴/۸	۳۰۰	۱۳۷۵
۱۵/۴	۶۷	۸۴/۶	۳۵۶	۱۳۷۶
۲۶	۴۶۶	۷۴	۱۳۰۴	جمع

نتایج و پیشنهادها

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که حدود $\frac{1}{4}$ یا ۲۶ درصد از استنادهای متون کتابداری و اطلاع‌رسانی به منابع غیرکتابداری صورت گرفته و در مجموع ۵۴ رده از رده‌های صدگانه دیویی هر یک حداقل یک و حداکثر ۸۴ بار مورد استناد قرار گرفته‌اند که بیشترین آنها یعنی ۸۴ استناد از مجموع ۱۷۷۰ استناد مربوط به علوم رایانه است. پس از علوم رایانه، رده‌های علوم تربیتی، اسلام، و علوم اجتماعی بیشترین سهم را در ساختار بین رشته‌ای کتابداری و اطلاع‌رسانی دارا هستند. در حوزه روابط درون رشته‌ای مقالات حوزه کلیات کتابداری بیشترین تنوع را در روابط از خود نشان می‌دهند، زیرا از میان ۲۱ زیر شاخه کتابداری و اطلاع‌رسانی به متون ۱۷ زیر شاخه استناد کرده‌اند و از سوی متون ۱۶ زیر شاخه مورد استناد قرار گرفته‌اند. در مقابل، مقالات مربوط به کتابخانه‌های ملی تنها به زیر شاخه خود متبکی بوده و به هیچ یک از زیر شاخه‌های دیگر استناد نکرده‌اند که این امر حکایت از انحصاری بودن حوزه کتابخانه‌های ملی دارد.

نکته‌ای که ذکر آن در مورد نتایج تحقیق لازم است نسبی بودن نتایج است. به طور کلی یکی از ویژگی‌های نتایج حاصل از سنجش روابط بین رشته‌ای نسبت^۱ نتایج یا به اصطلاح دقیق‌تر عملیاتی شدن^۲ نتایج است. به این معنی که نتایج تحقیق وابستگی زیادی به عملکرد و رویکرد محقق دارد. تلقی محقق از قلمرو رشته مورد مطالعه و سایر رشته‌ها، تعریف وی از رشته مورد نظر، کمیت و پوشش زمانی جامعه پژوهش، و روش به کار رفته تأثیر مهمی در چگونگی نتایج دارند. استفاده از روش تحلیل استنادی موجب می‌شود که اشکالات وارد بر این روش از جمله

احتمال عدم دسترسی فیزیکی و ادراکی محققان به متون سایر رشته‌ها، استناد همراه با سوگیری و خود استنادی بی‌مورد بر نتایج تحقیق نیز تأثیر بگذارند که چگونگی این تأثیرها خود می‌تواند طی تحقیقات جداگانه‌ای بررسی شود.

به هر روی، رشته کتابداری در تعامل با نیازهای جامعه است و نمی‌تواند متکی به خود باشد. از این رو، پیشنهاد می‌شود که گروه‌های آموزشی و پژوهشی کتابداری و اطلاع‌رسانی در برنامه‌ریزی‌های خود توجه بیشتری به همکاری بین رشته‌ای و تحقیقات مشترک با محققان سایر رشته‌ها یا همکاری میان متخصصان زیر شاخه‌های مختلف کتابداری معطوف دارند؛ خصوصاً همکاری با محققان رشته‌هایی که بستر مشترکی برای انجام تحقیقات گروهی میان آنان و کتابداری وجود دارد که علوم رایانه از آن جمله است. همچنین بهتر است آموزش کتابداری با رویکرد بین رشته‌ای پیگیری شود تا علاوه بر افزایش زمینه همکاری‌های میان رشته‌ای، دانش آموختگان این رشته از سواد اطلاعاتی پایه برای بهره‌بردن از متون سایر رشته‌ها برخوردار گردند. باید تلاش کرد که روحیه همکاری گروهی در فعالیت‌های پژوهشی تقویت شود.

پژوهش‌های پیشنهادی

مباحث زیر را می‌توان برای تحقیقات آتی مد نظر قرار داد:

۱. سنجش روابط بین رشته‌ای سایر رشته‌های دانشگاهی با استفاده از روش تحلیل استنادی؛
۲. تحقیق جهت کشف رشته‌هایی که به منابع کتابداری و اطلاع‌رسانی استناد می‌کنند؛
۳. بررسی عوامل دخیل در الگوهای استنادی بین رشته‌ای محققان کتابداری جهت برنامه‌ریزی برای رفع نیاز اطلاعاتی آنان از جمله تأثیر رشته تحصیلی در مقاطع لیسانس و فوق لیسانس بر این الگوها، یا تأثیر نبود دسترسی فیزیکی و ادراکی به منابع بر الگوهای استنادی.

مآخذ

- ۱) حری، عباس (۱۳۷۳). "یادداشت سردبیر". فصلنامه کتاب. شماره ۳ و ۴ (پاییز و زمستان)، ص ۵-۷.
- ۲) دبویی، ملویل (۱۳۷۲). خلاصه رده‌بندی ده‌دهی دیویی و نمایه نسبی. ترجمه ابراهیم عمرانی. تهران: انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
- ۳) محمدزاده، فاطمه (۱۳۷۶). "بررسی وضع استناد در مجلات فارسی کتابداری و اطلاع‌رسانی جاری از آغاز نشر تا پایان سال ۱۳۷۴". پایان‌نامه کارشناسی ارشد کتابداری و اطلاع‌رسانی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران.
- ۴) موکهرجی، ا.ک. (۱۳۶۸). تاریخ و فلسفه کتابداری. ترجمه اسدالله آزاد. مشهد: معاونت فرهنگی آستان قدس رضوی.

- 5) Afsharpanah, Shahrokh (1984). "Interdisciplinary structure of Information science". PhD dissertation, Case western Reserve university.
- 6) Boisot, Marcel (1972). "Discipline and interdisciplinarity". in Seminar on interdisciplinarity in universities. universite de Nice. France.
- 7) Cannon, Patricia Althen (1988). Interdisciplinary Citation Practices of library Education Faculty". PhD dissertation. Texas woman's university.
- 8) Gass, James (1972). "Preface". in Seminar on Interdisciplinarity (op cit).
- 9) Martyn, John (1975). *Service to an Interdisciplinary need- group from Computerized Secondary Services*. London: Aslib.
- 10) Meyer, T. & Spencer, J. (1996). "A citation Analysis study of library science: who cites librarians"? *College and Research libraries*. vol.57, no.1, pp.23-33.